

# نظر فاروق سومر در مورد آق قوینلوها در کتاب اوغوزها (ترکمن‌ها)

• پرویز عادل

• اوغوزها (ترکمن‌ها)

• مؤلف: فاروق سومر

• مترجم: آنا دردی عنصری

• ناشر: تهران، انتشارات حاجی طلائی، ۱۳۸۰، ۳۵۰ ص، ۲۲۰۰ تومان

• شابک: ۹۶۴-۶۱۶۰-۱۲-۳



مؤسسه تحقیقات جهان ترک در مورد تاریخ، ادبیات و فرهنگ اقوام ترک به مطالعه و بحث و بررسی می‌پردازد. این مؤسسه از ترک‌شناسان بزرگ و معروفی تشکیل شده است. پروفسور فاروق سومر (Faruk Sumer) یکی از اعضای آن مؤسسه بود.

فاروق سومر، استاد گروه تاریخ دانشگاه آنکارا و استانبول بوده و یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران تاریخ و فرهنگ ترک به شمار می‌رفت.<sup>۱</sup> وی آثار بسیاری در زمینه ترک‌شناسی به یادگار گذاشته است. برخی از تألیفات او عبارتند از: قراقوینلوها، نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی، اوغوزها (ترکمن‌ها)، نبردملازگرد، قرامان‌ها، ترک شدن آناتولی<sup>۲</sup>، همچنین آغاچ‌اری‌ها، درباره بوزاولوس، کوراوغلو، مطالعاتی درباره تاریخ چوکوراوو، مغول‌ها در آناتولی، منابع تاریخ کهن مربوط به بافت فرش ترکمن در آناتولی، نگاهی به قبایل عشیره‌ای ترک ساکن در آناتولی، سوریه و عراق در قرن ۱۶<sup>۳</sup> برخی دیگر از آثار او را تشکیل می‌دهد. فاروق سومر در زمینه مطالعات ترک‌شناسی و ترک پژوهی بیش از هفتاد مقاله و کتاب منتشر کرده است.<sup>۴</sup>

کتاب اوغوزها (ترکمن‌ها) در واقع شاهکار آثار فاروق سومر محسوب می‌شود.<sup>۵</sup> این کتاب به چند فصل تقسیم شده است که هر فصل آن دارای چند بخش است. فصول کتاب عبارتند از:

الف) قدیمی‌ترین اطلاعات مربوط به اوغوز

ب) اوغوزهای سیحون

پ) تأسیس دولت سلجوقی

ج) اوغوزها (ترکمن‌ها) در عصر سلجوقی

د) ترکمن‌ها بعد از هجوم مغول

ذ) تشکیلات قبیله‌ای ترکمن‌های ماوراء خزر و لیست‌های مربوط به آن.<sup>۶</sup>

تنها نقش مهمی که قبایل ترک در دوره امپراتوری عثمانی ایفا کردند این بود که از یک طرف، مردم ترک اسکان یافته آناتولی را که بر اثر تحمل بار سنگین امپراتوری خسته و کوفته شده بودند، دائم از نظر مادی و معنوی تقویت کردند و از طرف دیگر، از تضعیف بیشتر و به خطر افتادن موجودیت آنها در سرزمین‌شان جلوگیری نمودند. این امر در واقع علت اصلی تحقیق در مورد قبایل ترک از جانب فاروق سومر بوده است.<sup>۷</sup>

سومر در تحلیل نقش تاریخی اوغوزها به مهاجرت آنها اشاره کرده و نیروهای سیاسی گوناگونی را که به ایران آمده‌اند چنین بیان می‌کند: ۱- مغول‌های اویرات علی پادشاه، ۲- مغولان جلالیری ۳- مغولان چوپانی ۴- ترکمن‌های قراقوینلو ۵- ترکمن‌های آق قوینلو ۶- ترک‌های

صفویه<sup>۸</sup>. سومر بدین گونه آق قوینلوها را پنجمین نیروی سیاسی وارد شده از آناتولی به ایران دانسته است.<sup>۹</sup> او همچنین به مفاهیم مهم قومی و اجتماعی توجه می‌کند که حائز اهمیت بسیاری هستند. به عنوان نمونه او به ترکمن‌هایی که از زندگی عشیره‌ای دست کشیده و به علت وابستگی به زمین در محلی‌اسکان می‌گزیدند، دیگر عنوان «ترکمن» اطلاق نکرده، بلکه آنها را «ترک» نامیده است.<sup>۱۰</sup> به بیان دیگر، سومر به ترکمن‌هایی که زندگی شهرنشینی را اختیار کرده بودند واژه «ترک» اطلاق می‌کند و نه «ترکمن». او بدان خاطر «ترکمن» را عنصر کوچ نشین ترک معرفی می‌کند.<sup>۱۱</sup>

وی همچنین گروهی از اوغوزها را که اسلام آورده بودند، ترکمن می‌نامد که به معنای «ترک مسلمان» است.<sup>۱۲</sup> آن ترکمن‌ها (اوغوزها) به نوبه خود به قبایل و اقوام بسیاری تقسیم می‌شدند. یکی از آن قبایل، آق قوینلوها (بایندرها) بودند. که در طول تاریخ آناتولی و ایران نقش سیاسی قابل توجهی ایفا نمودند.

ترکمن‌های آق قوینلو در نیمه دوم سده نهم هجری قمری در ایران به حکومت رسیدند. آنها که وارث حکومت تیموریان و قراقوینلوها بودند، به سرعت حکومت محلی خود را به یک امپراتوری تبدیل نموده، همچنین در پی کسب مشروعیت سیاسی برآمدند.

فاروق سومر در کتاب اوغوزها (ترکمن‌ها)، با ترسیم چند شجره‌نامه به اصل و نسب آق قوینلوها یا بایندرها اشاره می‌کند. در شجره‌نامه B که بر اساس فهرست سروان موراوویف طراحی شده است، بایندرها جزء ترکمن‌های گوکلان محسوب شده‌اند ولی در شجره‌نامه C که بر اساس فهرست آرمینیا و امبری طراحی شده است، بایندرها جزء اویماق سالار آورده شده‌اند. در شجره‌نامه D هم بایندرها جزء قبایل گوکلان یاد شده‌اند. در آن میان سومر نظر اول و سوم را دارای اهمیت دانسته و بدان معتقد است.<sup>۱۳</sup>

همان طور که ایلیخانان در درجه اول به دو طایفه جلابر و سولدوس متکی بودند، حکومت آق قوینلو نیز در وهله نخست به دو طایفه پورنک (Purnek) و موصل‌لو متکی بود. به دنبال این دو طایفه، طوایف درجه دوم دیگری چون حمزه حاجیلو، قره حاجیلو، امیرلو و عزالدین حاجیلو قرار داشتند. به عقیده سومر بر اثر پیروزی‌های آق قوینلو و در نتیجه اختلاط آنها با ترکمن‌های حلب، ذوالقدرها و چینی (cepni)‌های جنوب غربی طرابوزان، «ملت (ایل) آق قوینلو» به وجود آمده است.<sup>۱۴</sup>

به نظر سومر دولت آق قوینلو توسط قره‌بولوک عثمان بگ، در ناحیه دیار بکر و به مرکزیت آمد (Amid) تشکیل شد. این حکومت توسط نواده وی به نام اوزون حسن از حالت یک حکومت محلی بیگی به یک امپراتوری بزرگ تبدیل گردید.<sup>۱۵</sup> شایان ذکر است که در این جا حکومت بیگی به معنای حکومت خود مختار محلی است.<sup>۱۶</sup>

سومر معتقد است که آق قوینلوها در زمان اوزون حسن بر قدرت طلبی و توسعه طلبی سیاسی خود افزوده و به گسترش ارضی پرداختند. به گونه‌ای که در آن زمان، دولت آق قوینلو تا حدود زیادی از ساختار

«فاروق سومر»  
علت اصلی سقوط  
آق قوینلوها را  
ضعف داخلی یا انحطاط  
درونی آنها ذکر می‌کند  
که بر اثر ستیزهای  
خاندانی و نزاع قبیله‌ای  
بروز کرد

**فاروق سومر به ترکمن‌هایی که از زندگی عشیره‌ای دست کشیده و به علت وابستگی به زمین در محلی اسکان می‌گزیدند، دیگر عنوان «ترکمن» اطلاق نکرده، بلکه آنها را «ترک» نامیده است. او همچنین گروهی از اوغوزها را که اسلام آورده بودند، ترکمن می‌نامد که به معنای «ترک مسلمان» است**

عشیرتی خود خارج شده و به ایجاد روابط با سایر حکومت‌های دیگر روی آورد. بر اثر این مهم بود که آق قوینلوها باکشورها و دولت‌های گوناگون مناسبات سیاسی برقرار نمودند.

خاندان آق قوینلو از نسل بایندرخان بودند، بدان علت خود را از فرزندان اوغوزخان می‌دانستند. قریه‌یولوک عثمان بگ، بنیانگذار سلسله آق قوینلو عقیده داشت که با خاندان سلجوقی رابطه‌ی خویشاوندی دارد و حتی نام بانوی اول او نیز **سلجوق خاتون** بود.<sup>۱۷</sup>

به نظر **فاروق سومر**، **اوزون حسن** که معروف‌ترین فرمانروای سلسله ایرانی آق قوینلو بود، علاقه و حساسیت زیادی نسبت به مسائل مربوط به قبیله‌اش نشان می‌داد.<sup>۱۸</sup> او خود را حکمران ترک‌های آناتولی نامیده و بر نژاد اوغوزخانی خویش مباحث می‌کرد. تیره آق قوینلو به طایفه بایندر (Bayindir) وابسته بود و بایندرها یکی از طوایف ۲۴ گانه اوغوز بودند. در همین رابطه بود که آق قوینلوها از زمان حکمرانی حمزه بگ به بعد در فرامین، پول‌ها و پرچم‌های خود نشان طایفه بایندر را حک می‌کردند. سومر اضافه می‌کند که آق قوینلوها در احیای شعور قومی نزد خاندان عثمانی نیز نقش بسیار مهمی داشته‌اند. به عنوان مثال، **اوزون حسن** برای انجام فرائض دینی دستور داد که قرآن را به زبان ترکی ترجمه کنند. ولی به لحاظ عدم حمایت علما و روحانیون هم عصر خود در این کار موفق نشد.<sup>۱۹</sup>

سومر در اثنای تحلیل از اوضاع سیاسی آناتولی، به گروهی از آق قوینلو اشاره می‌کند که در شهرستان **کوتاهیه** (بخش دنیزلی) و شهرستان **قره حصار صاحب یا آفیون** (Afyon) ساکن بودند. اما یادآور می‌شود که از نظر مناسبات قبیله‌ای مشخص نیست که چه رابطه‌ای بین قوم آق قوینلوی ترکمن با آق قوینلوهای کوتاهیه و آفیون برقرار است؟<sup>۲۰</sup> سومر در تحلیل انحطاط و سیر قهقرایی سلسله آق قوینلو بر این باور است که علت انحطاط و انقراض آق قوینلوها همانا درگیری‌های سلطنتی آن خاندان بوده که موجب تضعیف ارکان دولتی و سرنگونی آن دولت شده است. آن درگیری‌های سلطنتی با جنگ جانشینی **سلطان یعقوب** در سال ۸۹۶ هـ. ق. آغاز گشته است. صفویان نیز در جنگ داخلی دولت آق قوینلو شرکت داشته و طرفدار **رستم‌بگ** بودند. تا اینکه نزاع خانگی مذکور در سال ۹۰۵ هـ. ق. سبب شد که مملکت آق قوینلو به دو بخش مجزا تقسیم گردد. براساس این تقسیم‌بندی آذربایجان، آران و دیار بکر به **الوند بگ** واگذار گردید و فارس، کرمان، عراق عرب و عجم نیز به **مراد فرزند یعقوب** داده شد. در پی این درگیری‌های داخلی بود که مملکت آق قوینلو ویران شده و مردم پریشان حال گشته‌اند.<sup>۲۱</sup> دلیل این مهم آن است که در تاریخ دنیای ترک، از یک سو به علت عدم وجود یک قانون مشخص در مورد وارث سلطنت و از سوی دیگر بر اساس این دیدگاه ترک‌ها که «حق با زورمند است»، بر این اساس با آن که امکان داشت شخصیت‌های نیرومندی در رأس قدرت حکومتی مستقر شوند، در عین حال آن امر عامل مهمی نیز در سقوط و تضعیف آنها به شمار می‌رفت. به حدی که این مهم در سقوط دولت آق قوینلو به راحتی قابل

مشاهده است. بدین گونه بود که حکومت آق قوینلوها در سال ۹۰۶ یا ۹۰۷ هـ. ق. طی شکستی در حومه نخجوان منقرض گردید.<sup>۲۲</sup>

بدین شکل سومر علت اصلی سقوط آق قوینلوها را ضعف داخلی یا انحطاط درونی آنها ذکر می‌کند که بر اثر ستیزهای خاندانی و نزاع قبیله‌ای بروز کرده بود. این نزاع‌های خاندانی باعث گردید دولت آق قوینلو از درون فرسوده شده و به قهقرا بگراید. در نتیجه آق قوینلوها در مقابل صفویان تاب مقاومت نیاورده و شکست را پذیرا گشتند.

هر چند دولت آق قوینلو در ایران سقوط کرده بود اما در سده یازدهم هجری قمری و در پایان قیام‌های جلالی، بقایای قدیمی آق قوینلوها به نام **بوزاولوس** به ناگهان در آناتولی مرکزی ظهور کردند.<sup>۲۳</sup> ولی نتوانستند قدرت سیاسی را از آن خود کنند. لازم به یادآوری است که **بوزاولوس** از سه شاخه ترکمن‌های دیار بکر، قبایل ذوالقدر و ترکمن‌های حلب تشکیل می‌شده است که در آن میان ترکمن‌های دیار بکر، بقایای قوم قدیمی آق قوینلو بوده‌اند.<sup>۲۴</sup>

**پی نوشت‌ها:**

- ۱ - سومر، فاروق: اوغوزها (ترکمن‌ها)، ترجمه آنادردی عصری، تهران: انتشارات حاجی طلائی، ۱۳۸۰، ص یازده.
- ۲ - همان.
- ۳ - همان، ص ۳۱۴.
- ۴ - همان، ص یازده.
- ۵ - همان، ص هشت.
- ۶ - همان، صص سه تا پنج.
- ۷ - همان، ص ۲۸۸.
- ۸ - همان، ص ۲۳۲.
- ۹ - همان، ص ۲۲۲.
- ۱۰ - همان، ص ۲۳۵.
- ۱۱ - همان، ص ۲۰۶.
- ۱۲ - همان، ص ۹۷.
- ۱۳ - همان، فهرست ضمیمه شده در پایان کتاب.
- ۱۴ - همان، صص ۲۴-۲۲۳.
- ۱۵ - همان، ص ۲۲۲.
- ۱۶ - همان، ص ۲۴۰.
- ۱۷ - همان، ص ۲۴۶.
- ۱۸ - همان، ص ۲۹۸.
- ۱۹ - همان، ص ۲۲۳.
- ۲۰ - همان، ص ۲۶۵.
- ۲۱ - همان، صص ۲۶-۲۲۵.
- ۲۲ - همان، صص ۲۷-۲۲۶.
- ۲۳ - همان، ص ۲۷۶.
- ۲۴ - همان، ص ۲۵۹.

**فاروق سومر در زمینه مطالعات ترک‌شناسی و ترک‌پژوهی بیش از هفتاد مقاله و کتاب منتشر کرده است و در آن بین کتاب «اوغوزها» (ترکمن‌ها) شاهکار آثار او محسوب می‌شود**